

منتظران همیشگی...

ما آدم‌های انتظار برای فرداها هستیم. کسانی که به تصور خود، همیشه برای آن چه دل‌مان می‌خواهد، فردایی هست تا به آن دست یابیم. ما دائم در حال انتظار هستیم تا اتفاق بعدی برای خوشحالی و رضایت ما رخ دهد، اتفاقی که انگار سرآغاز یک زندگی تازه خواهد بود: پایان تحصیل، پیدا شدن شغل مناسب، آغاز رابطه‌ای زیبا، رسیدن به موفقیت که شاید مترادف باشد با پولدار شدن یا داشتن موقعیت اجتماعی و سیاسی، و مثال‌هایی دیگر که برای هر کس متفاوت است.

از نگاه روانشناسان «انتظار» یک حالت ذهنی و به معنای خواستن و میل به آینده است. از دید ایشان، انتظار تا جایی که معنای امید می‌دهد، برانگیزاننده و مثبت است و وقتی به نادیده انگاشتن «اکنون» می‌رسد، از دست دادن زندگی است. حالتی که اکنون را بدون احساس لذت و رضایت خرج کنیم و آنچه داریم را نبینیم و نخواهیم، تا به چیز دیگری برسیم. مثل یک تضاد درونی از نخواستن امروز و موقعیت حال، و چشم انتظار آینده بودن.

ما منتظر هستیم تا فردا برسد و با خود اتفاقات خوب و دلخواه ما را همراه بیاورد و از آن لحظه به زندگی مطلوب خود برسیم. انگار همه چیز منتظر آن اتفاق است و هیچ وقت تجربه نمی‌کنیم که رسیدن به هر ایده‌آلی، فقط برای مدتی کوتاه جذاب است و خیلی زود عادی می‌شود و ما به یک نداشته دیگر فکر خواهیم کرد!

ما آدم‌های انتظار کشیدن هستیم برای پله بعدی، خواسته دیگر و تصویری که از آینده داریم: یک منتظر همیشگی! و پاسخ این سؤال را نمی‌دانیم که از چه زمانی قرار است «حال» و اکنون خوبی داشته باشیم؟

بگذریم. کتاب حاضر به قلم نویسنده‌ای است که مخاطبان با سبک قصه‌گویی او آشنا هستند و آن را پسندیده‌اند. روایت‌هایی ساده که نکته بارز آن، حس و حال مخاطب در قرار گرفتن در کنار یا حتی به جای قهرمانان کتاب است. قهرمانان امروز او نیز همچون ما، گاهی آدم‌های منتظر همیشگی هستند و گاهی یاد می‌گیرند از آنچه اکنون در دسترس آنان هست نیز لذت ببرند و هیچ کدام از حال و آینده را فدای دیگری نکنند.

شاید آن کس که ترکیبی هوشمندانه از این دو را می‌یابد، زندگی را برده است! پس همراهش شوید در روایتی جذاب از قصه زندگی.

بهمن رحیمی

فروردین ماه ۱۳۹۷ - تهران